



بررسی رابطه سلامت روان، خودپنداره جنسی و نقش الگوهای ارتباطی با بی ثباتی ازدواج در زوجین

نازنین بنکدار مازندرانی^۱، فریبهرز باقری^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، "بررسی رابطه سلامت روان، خودپنداره جنسی و نقش الگوهای ارتباطی با بی ثباتی در ازدواج" بود. روش این پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره و تحکیم خانواده در شهر تهران بود. بدین منظور ۲۶۰ نفر به صورت در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه های بی ثباتی ازدواج ادواردز، الگوهای ارتباطی کریستنسن و سالاوی (CPQ)، سلامت روان گلدنبرگ (GHQ) و خودپنداره جنسی اسنل (MSSCQ) بوده است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش ضریب همبستگی پیرسون و از مدل معادلات ساختاری (تحلیل عاملی و تحلیل مسیر) استفاده شد. بر اساس یافته های پژوهش، سلامت روان، خودپنداره جنسی و نقش میانجی الگوهای ارتباطی پیش بینی کننده بی ثباتی ازدواج می باشدند. و سلامت روان بصورت غیر مستقیم از طریق الگوی ارتباطی سازنده، پیش بینی کننده ای معناداری برای بی ثباتی در ازدواج می باشد و از بین مؤلفه های آن، اضطراب و بی خوابی همبستگی مثبت و معناداری با متغیر ملاک دارد. و همچنین الگوهای ارتباطی متوقع / کناره گیر و اجتنابی (ناکارآمد) همبستگی مثبت و معنادار دارند و الگوی ارتباطی سازنده همبستگی منفی با بی ثباتی ازدواج داشته اند. متغیر خودپنداره جنسی از طریق ضریب کل مسیری تواند پیش بینی کننده بی ثباتی ازدواج باشد و مؤلفه های آن با بی ثباتی ازدواج همبستگی منفی دارند.

کلید واژه: سلامت روان، خودپنداره جنسی، الگوهای ارتباطی، بی ثباتی ازدواج

^۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران (تویینده مسئول)

Nazi_bonakdarm@yahoo.com

^۲. دانشیار گروه روانشناسی واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران F_bagheri@sibiau.ac.ir

مقدمه

بهداشت روانی جامعه، در گرو سلامت روابط زناشویی و تداوم و بقا ازدواج می‌باشد. هر گاه خطری در جامعه، ازدواج را تهدید نماید، سلامت فیزیکی و عاطفی اعضای جامعه و نهایتاً بهداشت روانی جامعه به خطر می‌افتد. ازدواج و رابطه زناشویی منبع حمایت، صمیمیت و لذت است. عوامل گوناگونی چون سلامت روان^۱، عوامل شخصیتی و تجارب کودکی نقش بسزایی را در برقراری الگوهای مناسب ارتباطی، روابط صمیمانه و جنسی و ایجاد عشق و تفاهم در زوج‌ها ایفا می‌کند و همین امر به نوبه خود در ثبات ازدواج بسیار مؤثر است. در مقابل ثبات زناشویی، بی‌ثباتی قرار دارد. در واقع زمانی که یک عضو از زوج‌ها یا هر دو عضو زوج درباره جدایی می‌اندیشند یا اعمالی را که گرایش به اتمام ازدواج دارند را انجام می‌دهند، بی‌ثباتی ازدواج مطرح می‌شود که از عوامل درون فردی و بین فردی نشأت می‌گیرد. به نظر می‌رسد در دنیای معاصر ساختار ازدواج در خطر بی‌ثباتی است (ولفینگر^۲، ۲۰۱۵). به عبارتی این مفهوم، وضعیت زوج‌هایی را توصیف می‌کند که تحت تأثیر عواملی چون سلامت روان، خودپنداره جنسی و الگوهای ارتباطی متفاوتی هستند و ازدواجشان در موقعیتی خطرناک و نامتعادل قرار گرفته است و فاصله چندانی با طلاق ندارند و زن یا مرد به طلاق می‌اندیشند. ازدواج برای ماندن و ادامه دادن نیاز به تلاش هر دو طرف دارد. ازدواج می‌تواند به طور برابری؛ هم سعادت و برکت باشد و هم حلقه یا زنجیری بسته باشد که این به مواردی که علت آن است، بستگی دارد. ازدواج وابسته به آیتم‌های منطقی است که باعث موفقیت می‌شود مانند: اعتماد، عشق، زمان، دوستی، درک، صداقت و وفاداری و بالاتر از همه ارتباطات مؤثر است. بسیاری از زوج‌ها مشکلات زیادی مرتبط با سلامت روان، عدم الگوی ارتباطی^۳ مؤثر و ناسازگاری جنسی از جمله عدم شناخت خودپنداره جنسی^۴ خود را تجربه کرده‌اند که ممکن است موجب بی‌ثباتی زناشویی شود. می‌توان گفت که بحران‌های ازدواج که شامل اشتباہات زوجین مخصوصاً در زوج‌ها جوان و تازه ازدواج کرده بیشتر اتفاق می‌افتد و مبنای بسیاری از متغیرها مانند: فقدان درک، الگوی ارتباطی نامناسب، عدم تعهد، تفکر غیرمنطقی و... است (ایسر، آکانی وایرولاه^۵، ۲۰۱۷).

در سال‌های اخیر مشکلات و تعارضات زناشویی به طور فزاینده‌ای در میان آثار منتشر شده در حوزه ازدواج، وضعیتی ویژه کسب کرده است (کریستنسن^۶، ۲۰۱۷). پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که تعهد زناشویی با بی‌ثباتی ازدواج رابطه منفی و معناداری دارد و بدین منظور با افزایش تعهد زناشویی، بی‌ثباتی ازدواج کاهش می‌یابد یا بر عکس (زاده پاکدل، ۱۳۹۴). سلامت روان یکی از متغیرهایی است که در بی‌ثباتی ازدواج تأثیر می‌گذارد. سلامت روان را می‌توان براساس تعریف کلی و وسیع تر تندرنستی تعریف کرد. طی قرن گذشته ادراک ما از تن درستی به طور گستردگی تغییر یافته است. سلامت نه تنها بیانگر نبود بیماری است، بلکه توان دست یابی به سطح بالای تندرنستی را نیز معنی می‌دهد. چنین مفهومی نیازمند تعادل در همه ابعاد زندگی فرد از نظر جسمانی، عقلانی، اجتماعی، شغلی، و معنوی است. این ابعاد در رابطه متقابل با یکدیگرند، به طوری که هر فرد از دیگران و از محیط تأثیر می‌گیرد و در آن‌ها تأثیر می‌گذارد (زمانی، حبیبی و درویشی^۷، ۲۰۱۵).

گلدنبرگ (۱۹۸۸) سلامت روانی را به چهار دسته تقسیم کرده است که عبارت اند از: نشانه‌های جسمانی^۸، سلامت جسمانی دال بر عمل نرمال بدن است که سلامت زیست شناختی را در نظر می‌آورد. نشانه‌های سلامت جسمی در یک فرد در پوست، چشم، مو، کارکردهای خواب، فعالیت منظم روده‌ها و حرکات بدنی هماهنگ و راحت نمود می‌یابد. اضطراب و بی‌خوابی^۹،

¹ Mental Health² Wolfinger³ Communication patterns⁴ Sexual self-concept⁵ Esere, Akani & Iruloh⁶ Christensen⁷ Zamani, Habibi & Darvishi⁸ Somatic symptoms⁹ Anxiety & sleep Disorder



هیجان ناخوشایندی است که با دل نگرانی و دلشوره، وحشت و ترس بیان می‌شود. انسان‌ها غالباً در روبرو شدن با موقعیت‌های تهدید آمیز یا تنفس زا احساس اضطراب و تنفس می‌کنند. این گونه احساسات واکنش‌هایی بهنجار در برابر فشار روانی به شمار می‌آید. کارکرد اجتماعی^۱، طرز فکر در ارتباط با یک کاردکرد اجتماعی در اجتماع و در ارتباط با افراد دیگر است. علائم افسردگی^۲، نوع اختلال خلقی که دو مشخصه عمده آن نالمیدی و غمگینی است و در آن فرد علاوه بر این دو مشخصه احساس احساس بی‌کفایتی می‌کند (اسدی، نظری، شکویی و همکاران، ۱۳۹۳). بروز نشانه‌های خفیف افسردگی، در واقع پاسخ طبیعی انسان‌ها به فشارهای متعدد زندگی است. عدم موفقیت در تحصیل یا کار از جمله موقعیت‌هایی هستند که اغلب باعث افسردگی می‌شود. افسردگی و اضطراب از شایع‌ترین بیماری‌های روانی محسوب می‌شوند. افسردگی اختلالی است که منجر به تغییراتی در خلق، افکار، رفتار و فعالیت فیزیکی فرد می‌گردد. این اختلال توانایی فرد برای لذت بردن از زندگی را کاهش می‌دهد و ظرفیت فرد برای عهده دار شدن ساده‌ترین تکالیف روزمره را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد (بشارت، فرهمند و ابراهیمی، ۱۳۹۹). با توجه به پژوهشی که با هدف ارزیابی ارتباط بین سلامت روان و رضایت‌ناشویی در دانشجویان مرد متأهل صورت گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین رضایت‌ناشویی دانشجویان و علائم جسمی، اضطراب، عملکرد اجتماعی، افسردگی است (ریاحی، خاجدین و ایزدی، ۲۰۱۷). در پژوهش دیگری که با هدف انجام مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، سلامت‌روان بارضایت‌ناشویی زوجین مراجعه کننده به مرکز مشاوره نیروی انتظامی فارس انجام شده بود، بین ویژگی‌های شخصیتی در زنان و مردان تفاوت معنی داری وجود دارد. و همچنین بین سلامت روان زنان و مردان و بین رضایت‌ناشویی تفاوت معنی داری در دو گروه زنان و مردان وجود داشت. همچنین بین رضایت‌ناشویی و ویژگی‌های شخصیتی سلامت روان همبستگی معناداری وجود داشت. (ایزدی، ۱۳۹۱).

با توجه به تأثیر متغیر سلامت روان به عنوان متغیر پیش بین متغیر دیگری که تأثیرگذار بر بی ثباتی ازدواج هست خودپنداره جنسی زوجین است. هر رفتاری می‌تواند جزیی از خودپنداره شخص شود. اما عزت نفس ارزیابی اطلاعات تشکیل دهنده خودپنداره است و از احساسات فرد در مورد خود و اینکه چه احساسی نسبت به آن دارد و همچنین به چگونگی ارزیابی آن باز می‌گردد. ابعاد خودپنداره شامل: ۱) توانایی و قابلیت‌های بدنی^۳ ۲) خصوصیت‌ها و ویژگی‌های بدنی^۴ ۳) رابطه با همسالان^۵ ۴) رابطه با والدین^۶ ۵) خودپنداره کلامی است. همانگونه که بیان شد یکی از ابعاد خودپنداره‌ها، خصوصیات و ویژگی‌های بدنی می‌باشد که می‌توان خودپنداره جنسی را جزء این بعد از خودپنداره دانست (بث، جولیان، آنتونی^۷ و همکاران، ۲۰۱۰). در دنیای اطلاعات و ارتباطات امروز، که پیشرفت تکنولوژی هر لحظه انسان‌های جوامع و فرهنگ‌های مختلف را به یکدیگر نزدیک می‌کند، خواسته‌های بیشتر و جدی تر شده و رفاه، آزادی، آرامش، لذت و تنوع اهمیت بیشتری پیدا نموده‌اند. رابطه جنسی زوجین می‌تواند، تحت تأثیر شایع عوامل مختلفی قرار گیرد که یکی از آن‌ها خودپنداره جنسی می‌باشد. متاسفانه امروزه مشکلات جنسی بسیار شایع هستند و می‌توانند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر بسیاری از جنبه‌های زندگی زوجین تأثیر بگذارند (شاهوری، قلی زاده و حسینی^۸، ۲۰۱۰). طبق پژوهش انجام شده از بین مؤلفه‌های خودپنداره جنسی، ۴ مؤلفه انتخاب شدند که بیشتر از لحاظ روانی حائز اهمیت هستند. خودکارآمدی جنسی^۹، باور یک فرد در مورد توانایی رسیدگی مؤثر مؤثر بر جنبه‌های جنسی زندگیش است. هوشیاری جنسی^{۱۰}، گرایش یک فرد به تفکر و عکس العمل نشان دادن در مورد تمایلات جنسی طبیعی خودش می‌باشد. عزت نفس جنسی^{۱۱}، گرایش فرد در مشیت ارزیابی کردن توانایی‌های جنسی و

¹ Social Function² Depression Symptom³ Riahi, Khajedan & Izadi⁴ Beth, Julian & Anthoni⁵ Shahvary, Gholizade & Hoseini⁶ Sexual self-efficacy⁷ Sexual consciousness⁸ Sexual esteem

داشتن رفتارهای جنسی سالم و تجربیات جنسی رضایت بخش و لذت بخش است. طرحواره جنسی^۱، چارچوب شناختی هر فرد که فرآیندهای شناختی وی در مورد جنبه‌های جنسی زندگیش را هدایت کرده و ارگانیزه می‌کند (رمضانی، قائم مقامی و طلاکار، ۱۳۹۱).

در پژوهشی با عنوان بررسی خودپنداره جنسی، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی و با هدف رضایت زنان در در روابط جنسی آن‌ها با همسرشان انجام شد. این مطالعه یک روش دو مرحله‌ای بود. که مرحله اول شامل ۳۰ مصاحبه به صورت حضوری با زنان دانشجو ۱۸ تا ۲۵ سال بود. و مرحله دوم که در ترم پایانی انجام شد شامل اندازه‌گیری کمی بررسی خودپنداره جنسی، الگوهای ارتباطی و رضایتمندی جنسی بود. بخش کمی این مطالعه نشان داد که خودپنداره جنسی به طور مستقیم با الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی تأثیر دارد. ارتباط با همسر با اختلافات پایین تر بین تقاضا و فعالیت‌های جنسی تجربه شده مرتبط بود. تعهد همسر، ارتباط با همسر رابطه مستقیمی با رضایت جنسی بالاتری دارد هیدر و بلانت^۲ (۲۰۱۳). در پژوهشی بین صمیمت زناشویی و ابعاد خودپنداره جنسی از قبیل طرحواره جنسی، هوشیاری جنسی و اضطراب جنسی رابطه معناداری وجود دارد و همین امر خطر بی ثباتی ازدواج را افزایش می‌دهد (هوشمند، ۱۳۹۴).

سلامت روان و خودپنداره جنسی پیشاپنده برای بی ثباتی ازدواج هستند ولی الگوی ارتباطی یک عامل مهم و به عنوان متغیر میانجی در بی ثبات ازدواج نقش حیاتی ایفا می‌کند. کانال‌های ارتباطی که از طریق آن‌ها زن و شوهر با یکدیگر به تعامل می‌پردازند به آن دسته از کانال‌های ارتباطی که به وفور در یک خانواده اتفاق می‌افتد، الگوی ارتباطی گفته می‌شود. انسان موجودی است که ارتباط و تعامل با دیگران یکی از نیازهای اساسی اوست. ارتباط انگاره‌ای است که دو نفر یکدیگر را می‌سنجند و شامل راه‌های رد و بدل کردن اطلاعات بین مردم و نحوه‌ی معنا و مفهوم بخشدن به این اطلاعات است (ستیر^۳، ۲۰۱۲). الگوهای ارتباطی شامل: الگوی ارتباطی سازنده متقابل^۴، نوعی الگوی ارتباطی است که در طی آن زن و شوهر شوهر سعی می‌کنند در مورد مشکل ارتباطی خود بحث و گفتگو کنند، احساساتشان را نسبت به هم ابراز نمایند و برای مشکل ارتباطی پیشنهاد راه حل و مذاکره بدھند. در این الگو هر دو زوج احساس می‌کنند که همدیگر را درک کرده‌اند. الگوی ارتباطی اجتناب متقابل^۵، نوعی الگوی ارتباطی ناکارآمد است که در آن زوجین سعی می‌کنند از بحث کردن درباره مشکل دوری گزینند. مقدار عددی این الگوی ارتباطی با میزان فراوانی وقوع آن برای هر زوج توسط پرسشنامه الگوهای ارتباطی اندازه‌گیری می‌شود. الگوی ارتباطی توقع/ کناره گیری^۶، نوعی الگوی ارتباطی ناکارآمد است که طی آن یکی از زوجین سعی می‌کند به وسیله انتقاد کردن، غر زدن و یا پیشنهاد تغییر دادن، دیگری را وارد بحث درباره مشکل نماید، در حالیکه دیگری سعی می‌کند بحث را تمام کند، به وسیله تغییر دادن موضوع بحث از آن اجتناب کند، ساكت باقی بماند یا حتی مکان را ترک کند. برای یک ازدواج رضایت بخش، زن و شوهر نیازمند برقراری ارتباطی مؤثر و کارآمد هستند. اهمیت ارتباط به قدری است که سنگ زیر بنای بهزیستی کلی خانواده عنوان شده است. به طوری که الگوهای ارتباطی آشفته بر سلامت روان زوج اثر چشمگیری دارد (شیفرت و شوارد^۷، ۲۰۱۱). تحقیقات انجام شده توسط برنز^۸ (۲۰۰۹)، نشان می‌دهد که همسرانی که به الگوهای ارتباطی منفی عادت کرده‌اند به عنوان سبک دلبستگی نایمن شناخته شده‌اند. آن‌ها برای حفظ مهارت‌های زناشویی نسبت به زوچهای ایمن و آشنا به الگوهای ارتباطی سازنده، دفاع منفی می‌کنند (دیلمی و آیشان حسن^۹، ۲۰۱۷). ساکمار^{۱۰}

¹ Sexual schema² Heather & Blunt³ Settier⁴ Constructive Communicative Patterns Couples⁵ avoidance pattern couple⁶ The pattern of demand/ withdraw couple⁷ Shiffert & Schwarz⁸ Brenz⁹ Aishah Hassan¹⁰ Sakmar

(۲۰۱۰)، در پژوهش خود بیان کرد دارا بودن زوجین از سطح پایین‌تر ارتباط مخرب و سطح بالاتر ارتباط سازنده و رضایت جنسی با رضایت از رابطه بیشتر در تمام وضعیت‌های ارتباطی همبسته هستند. در پژوهشی درباره اینکه آیا ارتباطات زوجین رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند؟ یا رضایت زناشویی نوع ارتباطات زوجین را پیش‌بینی می‌کند؟ نشان دادند که مهارت‌های ارتباطی زوجین به عنوان یک کلید پیش‌بینی می‌کند. اهمیت حیاتی روابط اغلب در مطالعات مقطعی و طولی، رضایت زناشویی بعدی را پیش‌بینی می‌کند. تعارض زناشویی به عنوان پیامدی از الگوهای ارتباطی ضعیف است، زیرا روابط ضعیف ریشه آشفتگی زناشویی است (لاوینر، کارنی و برادری^۱، ۲۰۱۶). پژوهشی را با عنوان شباهت استانداردهای رابطه الگوهای ارتباطی زوجین و رضایت زناشویی در میان زوجین چینی انجام دادند. نتایج نشان داد که شباهت استانداردهای رابطه زوج‌های واقعی به طور معناداری بیش از جمعیت زن و مرد‌هایی بود که به طور تصادفی با یکدیگر قرار گرفته بودند. یافته‌ها نشان دادند که استانداردهای چگونه بودن یک رابطه می‌تواند رضایت زناشویی زوجی را به طور غیر مستقیم تحت تاثیر قرار دهد (پی لیان، نورمن، فنگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). از بین مشکلات زیادی که زوجین را به کلینیک‌های مشاوره و تحکیم خانواده می‌کشانند می‌توان یکی از آن مشکلات، این باشد که سلامت روان فرد و عدم آگاهی از خودپنداره جنسی (خودکارآمدی جنسی، هوشیاری جنسی، عزت نفس جنسی، طرحواره جنسی) می‌تواند باعث افزایش بی‌ثباتی در ازدواج شود. و میزان تاثیر سلامت روان و خودپنداره جنسی بر الگوهای ارتباطی چقدر هست و چقدر می‌تواند پیش‌بینی کننده بی‌ثباتی ازدواج باشد. فرضیه‌های این پژوهش به این شرح آزمون می‌شوند:

- (۱) سلامت روان بصورت مستقیم و معنادار بی‌ثباتی در ازدواج را پیش‌بینی می‌کند.
- (۲) خودپنداره جنسی بصورت مستقیم و معنادار بی‌ثباتی در ازدواج را پیش‌بینی می‌کند.
- (۳) الگوهای ارتباطی بصورت مستقیم و معنادار بی‌ثباتی در ازدواج را پیش‌بینی می‌کند.
- (۴) الگوهای ارتباطی رابطه بین سلامت روان و بی‌ثباتی در ازدواج را میانجیگری می‌کند.
- (۵) الگوهای ارتباطی رابطه بین خودپنداره جنسی و بی‌ثباتی در ازدواج را میانجیگری می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. در این پژوهش با توجه به موضوع و هدف، از روش نمونه‌گیری دردسترس استفاده شده است. در ابتدا لیستی از مراکز مشاوره و تحکیم خانواده تهیه شد، که حدود ۱۱۰ مرکز بوده است و از بین این مراکز، تعداد ۲۵ مرکز با توجه به همکاری با محقق انتخاب شده است. جامعه آماری شامل زوجینی است که به مراکز مشاوره و تحکیم خانواده در شهر تهران مراجعه کردند. تعداد متغیرهای پژوهش با توجه به روش معاذلات ساختاری و تحلیل عاملی و با در نظر گرفتن فرمول کلاین، حجم نمونه به ازای هر متغیر پیش‌بین ۲۰-۴۰ نفر تعیین شد و حداقل تعداد نمونه این پژوهش ۲۴۰ نمونه برآورد شده است. اما برای بالا بردن سطح اعتبار بیرونی و بررسی تأثیرات کلی ۲۶۰ نفر (۱۳۰ زوج) انتخاب شدند. ابزار پژوهش به شرح زیر است:

پرسشنامه سلامت عمومی گلدنبرگ (GHQ)^۳: فرم ۲۸ سؤالی پرسشنامه‌ی سلامت عمومی توسط گلدنبرگ و هیلر^۴ (۱۹۷۹) بر اساس تحلیل عوامل بر روی فرم اصلی ساخته شد و شامل چهار مقیاس ۷ سؤالی (علائم جسمانی، اضطراب و بی‌خوابی، افسردگی و اختلال در کارکرد اجتماعی) است. شیوه‌ی نمره گذاری این پرسشنامه به صورت یک مقیاس چهار درجه ای لیکرت از ۰ تا ۳ نمره گذاری می‌گردد و نمره‌ی بالا در این پرسشنامه نشانه‌ی مشکل در سلامت روان است. گلدنبرگ و هیلر^۴ (۱۹۷۹) همبستگی پرسشنامه‌ی مذکور را با فهرست ۹۰ علامتی تجدیدنظر شده درآگوتیس (۱۹۷۶) ۷۸ درصد بیان

¹ Lavner Karney, & Bradbury,

² Pilian, Norman & Fang

³ General Health Questionnaire(GHQ-28)

⁴ Goldberg & Hiller



کرده اند. اعتبار آن توسط ویلیام گلدبیرگ و مارسی (۱۹۸۹)، برابر با ۸۴ درصد گزارش شده است (مرتضوی، ۱۳۸۸). و در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۷۴ می باشد که نشان دهنده پایایی عالی سؤالات است.

پرسشنامه خودپنداره جنسی (MSSCQ)^۱: این پرسشنامه توسط اسنل در سال ۱۹۹۰ طراحی استاندارد شده است. این پرسشنامه ۱۰۰ سؤال دارد و ۲۰ خرده مقیاس، که می توان گفت کاملترین پرسشنامه در ارزیابی خودپنداره جنسی می باشد. آزمودنی به هر سؤال بر اساس مقیاس A، B، C، D، E پاسخ می دهد. طریقه نمره گذاری خودپنداره جنسی بر این اساس A=۰، B=۱، C=۲، D=۳، E=۴ است. در پژوهش حاضر از بین ۲۰ خرده مقیاس ۴ خرده مقیاس: خودکارآمدی جنسی، هوشیاری جنسی، عزت نفس جنسی و خود طرحواره جنسی انتخاب شدند و مبنای آن بر اساس نزدیک بودن به جنبه روانی آیتم ها بود. رمضانی، قائم مقامی، طلاکار و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود در قدم اول تحلیل پایایی به کمک آلفای کرونباخ انجام شد. آلفای ۰/۸۹ با فاصله اطمینان ۹۵ درصد بین ۰/۸۵ تا ۰/۹۲۳ بدست آمد. در این پژوهش میانگین آلفای کرونباخ ۰/۶۵۵ است.

پرسشنامه الگوی ارتباطی (CPQ)^۲: این پرسشنامه در سال ۱۹۸۴ توسط کریستنسن و سالاوی در دانشگاه کالیفرنیا ساخته شد و در ایران در سال ۱۳۷۹ توسط عبادت پور، ترجمه و هنجاریابی گردید. پرسشنامه شامل ۳۵ سؤال است که دارای طیف لیکرت ۹ درجه ای می باشد. زوجین هر رفتار را روی یک مقیاس ۹ درجه ای لیکرت که از ۱ (اصلًا امکان ندارد) تا ۹ (خیلی امکان دارد) تنظیم شده، درجه بندی می کنند. بعضی از این رفتارها عبارتند از اجتناب متقابل، بحث متقابل، بحث اجتناب، مذاکره متقابل، خشونت کلامی، خشونت جسمانی و کناره گیری متقابل. CPQ از سه خرده مقیاس تشکیل شده است: ارتباط توقع / کناره گیری، ارتباط سازنده متقابل و ارتباط اجتناب متقابل. عبادت پور (۱۳۷۹) ضریب آلفای کرونباخ را برای الگوی ارتباط سازنده متقابل (پنج سوالی) ۰/۷۰، ارتباط اجتناب متقابل ۰/۷۱، ارتباط توقع / کناره گیر ۰/۶۶، زن متوقع / کناره گیر مرد ۰/۵۱ و مرد متوقع / زن کناره گیر ۰/۵۲ برآورد نموده است و به منظور روایی پرسشنامه، همبستگی میان این دو پرسشنامه و پرسشنامه رضایت زناشویی را به دست آورده است که نتایج نشان می دهد همهی زیر مقیاس های پرسشنامه با رضایت زناشویی همبستگی دارد. در این پژوهش میانگین آلفای کرونباخ برابر است با ۰/۶۲۹. که دارای پایایی مناسب و خوبی است.

پرسشنامه بی ثباتی ازدواج (MIQ)^۳: یک ابزار ۱۴ سؤالی است که برای اندازه گیری عدم ثبات ازدواج زناشویی توسط ادواردز، جانسون و بوث (۱۹۸۷) تدوین شده است. این آزمون اولین بار در سال ۱۹۸۰ برای ۲۰۳۴ زن و مرد متاهل زیر ۵۵ سال و همچنین برای ۱۵۷۸ زن و مرد متاهل در سال ۱۹۸۳ به کار گرفته شده است. روایی این مقیاس در پژوهش های متعددی مورد سنجش و تایید قرار گرفته است. و همبستگی مثبت آن با مقیاس های مربوط به مشکلات و اختلافات زناشویی و همبستگی منفی آن با مقیاس های مربوط به تعامل و رضایت زناشویی همبستگی مورد تایید قرار گرفته است. در ایران نیز، یاری پور (۱۳۷۹)، برای محاسبه ضریب اعتماد این ابزار از روش همبستگی بین دونیمه برای ارزیابی قابلیت اعتماد آزمون استفاده کرد و ضریب اعتماد را ۰/۷۰ گزارش نمود. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ بی ثباتی ازدواج ۰/۸۳۶ است.

به منظور اجرای پژوهش، ابتدا مجوزهای مربوطه اخذ و هماهنگی های لازم با مسؤولین انجام شد. در روش اجرا، در نمونه اصلی ابتدا با آزمودنی ها ارتباط برقرار شد و پس از کاهش حساسیت آزمودنی ها راجع به پرکردن پرسشنامه ها و دلایل انتخاب آن ها در نمونه همکاری، رضایت آنها جلب شد. هدف کلی از پژوهش و نکات، قواعد و همچنین نحوه تکمیل پرسشنامه ها به گروه نمونه توضیح داده شد. تاکید بر محترمانه بودن محتوى و اطلاعات فردی آن ها، تمامی شرکت کنندگان آگاهانه و با رضایت کامل وارد فرآیند پژوهش شدند.

¹ Multidimensional Sexual self-concept Questionnaire (MSSCQ)

² Communicational Patterns Questionnaire

³ Marital Instability Questionnaire (MIQ)



یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با ارائه آماره‌های توصیفی، از ۲۶۰ نفر از آزمودنی‌ها که شامل ۱۳۰ زوج بودند، حدود کمتر از ۱۲ درصد از نمونه آماری دیپلم، ۳۸/۸۵ درصد لیسانس، ۳۶/۹۲ درصد فوق لیسانس و ۱۲/۶۹ درصد از آنها دکتری هستند. بیشترین درصد پاسخگویان سنی مابین ۲۵ تا ۳۵ داشته‌اند و در عین حال کمترین میزان پاسخگویی مربوط به سنین بیشتر از ۴۵ سال بوده است. توزیع جنسیتی بین نمونه پاسخ دهنده به سوالات تقریباً برابر بوده است. و هردوی جنسیت‌ها ۵۰ درصد پاسخ‌ها را تشکیل داده بوده است. که با توجه به اینکه بین زوج‌ها پرسشنامه‌ها توزیع شده اند طبیعی است. در تحقیق حاضر رابطه ازدواج شان بین ۳ تا ۴ سال عمر داشته است و بیش از ۱۲ درصد پاسخ دهنده‌گان بیش از ۵ سال است که در رابطه بوده‌اند. برای بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق، آزمون ضریب همبستگی پیرسون بکار رفته است که با استفاده از نرم افزار SPSS¹ انجام شد. برای بررسی مدل پیشنهادی نیز از روش مدلسازی معادلات ساختاری به کمک نرم افزار AMOS² انجام شده است.

جدول ۱ علاوه بر میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش ضرایب الگای کرونباخ متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که براساس آن ضرایب الگای کرونباخ همه مؤلفه‌ها و متغیرها نزدیک به ۰/۷ یا بالاتر از آن است. این یافته بیانگر آن است که پرسشنامه‌های به کار گرفته شده برای سنجش متغیرهای پژوهش حاضر از همسانی درونی قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۱- میانگین، انحراف استاندارد و ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های سلامت روان، خودپنداره جنسی، الگوی ارتباطی و بی‌ثباتی در ازدواج

متغیر	بی‌ثباتی در ازدواج	الگوی ارتباطی و سلامت روان	ضریب آلفای کرونباخ	انحراف استاندارد	میانگین	آلفای کرونباخ
سلامت روان - علائم جسمانی	۰/۷۱۵	۲/۰۳	۷/۱۱	۰/۷۴۳	۱/۷۷	۸/۳۷
سلامت روان - اختلال خواب	۰/۷۶۰	۱/۸۷	۸/۶۳	۰/۷۴۵	۲/۱۴	۶/۳۱
سلامت روان - کارکرد اجتماعی	۰/۶۷۰	۳/۰۲	۱۰/۴۹	۰/۶۹۲	۲/۶۸	۱۱/۵۵
سلامت روان - افسردگی	۰/۶۳۹	۲/۸۳	۱۰/۸۲	۰/۶۲۱	۳/۸۲	۹/۴۸
خودپنداره جنسی - خودکارآمدی	۰/۶۱۹	۳/۴۱	۳۳/۱۷	۰/۶۵۷	۲/۹۹	۱۵/۹۶
خودپنداره جنسی - هشیاری	۰/۶۰۳	۲/۶۹	۱۵/۵۰	۰/۸۳۶	۳/۵۸	۴۷/۷۴
خودپنداره جنسی - عزت نفس						
الگوی ارتباطی - طرحواره						
الگوی ارتباطی - کناره گیری / توقع						
الگوی ارتباطی - اجتناب متقابل						
الگوی ارتباطی - ارتباط سازنده						
بی‌ثباتی در ازدواج						

¹ Statistical Package For the Social Sciences

² Analysis of Moment Structures



جدول ۲- ماتریس متغیرهای پژوهش جدول

متغیرهای تحقیق	۱	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱. سلامت روان- علائم جسمانی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲. سلامت روان- اضطراب و اختلال خواب	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۳. سلامت روان- کارکرد اجتماعی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۴. سلامت روان- افسردگی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۵. خودپنداره جنسی- خودکارآمدی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۶. خودپنداره جنسی- هشیاری	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۷. خودپنداره جنسی- عزت نفس	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۸. خودپنداره جنسی- طرحواره	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۹. الگوی ارتباطی- کناره گیری/ موقع	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۰. الگوی ارتباطی- اجتناب متقابل	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۱. الگوی ارتباطی- ارتباط سازنده	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۲. بی ثباتی در ازدواج	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
P** > P* و	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های متغیرهای پژوهش حاضر را نشان می‌دهد. بین مؤلفه‌های سلامت روان تنها مؤلفه اضطراب و بی خوابی به صورت مثبت و در سطح معناداری $0/01$ با بی ثباتی در ازدواج همبسته بود. از بین مؤلفه‌های خودپنداره جنسی خودکارآمدی و طرحواره به صورت منفی و در سطح $0/01$ و هشیاری به صورت منفی در سطح $0/05$ با بی ثباتی در ازدواج همبسته بودند. لازم به توضیح است که با توجه به این که در پرسشنامه‌های مورد استفاده برای سنجش سلامت روان نمرات بالاتر نشانگر وضعیت نامناسب سلامت روان فرد است. از بین الگوی‌های ارتباطی، ارتباط سازنده متقابل به صورت منفی و ارتباط موقع/ کناره گیر و ارتباط اجتناب متقابل به صورت مثبت و در سطح معناداری $0/01$ با بی ثباتی در ازدواج همبسته بودند. جدول ۳ مقادیر کشیدگی و چولگی همه متغیرهای تحقیق و عامل تورم واریانس^۱ (VIF) و ضریب تحمل^۲ متغیرهای پیش بین را نشان می‌دهد.

جدول ۳- کشیدگی، چولگی، عامل تورم واریانس و ضریب تحمل متغیرهای پژوهش

متغیر	چولگی	کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس(VIF)
سلامت روان- علائم جسمانی	- $0/382$	- $0/301$	$0/647$	$1/545$
سلامت روان- اضطراب و اختلال خواب	- $0/079$	- $0/434$	$0/490$	$2/042$
سلامت روان- کارکرد اجتماعی	- $0/500$	- $0/228$	$0/637$	$1/571$
سلامت روان- افسردگی	- $0/593$	- $0/060$	$0/653$	$1/530$
خودپنداره جنسی- خودکارآمدی	- $0/126$	- $0/503$	$0/508$	$1/967$
خودپنداره جنسی- هشیاری	- $0/063$	- $0/724$	$0/592$	$1/689$
خودپنداره جنسی- عزت نفس	- $0/491$	- $0/448$	$0/505$	$1/979$
خودپنداره جنسی- طرحواره	- $0/088$	- $0/089$	$0/528$	$1/894$
الگوی ارتباطی- کناره گیری/ موقع	- $0/568$	- $0/324$	$0/784$	$1/275$

¹ variance inflation factor² tolerance



جدول ۳- کشیدگی، چولگی، عامل تورم واریانس و ضریب تحمل متغیرهای پژوهش

متغیر	چولگی	کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس(VIF)
الگوی ارتباطی - اجتناب متقابل	-۰/۷۹۷	۰/۳۳۵	۰/۶۸۴	۱/۴۶۱
الگوی ارتباطی - ارتباط سازنده	۰/۷۹۴	۰/۹۶۸	۰/۷۴۳	۱/۳۴۶
بی ثباتی در ازدواج	۰/۳۳۵	۰/۳۲۳	متغیر ملاک	

منطبق بر دیدگاه کلاین (۲۰۱۶) ارزیابی شاخص‌های کشیدگی و چولگی در جدول ۳ نشان می‌دهد که توزیع داده‌های تک متغیری در پژوهش حاضر نرمال است، زیرا که شاخص‌های مربوط به چولگی و کشیدگی هیچ کدام از متغیرهای پژوهش خارج از محدود $2 \pm$ نیست. همچنین ارزیابی مقادیر ضریب تحمل و تورم واریانس نشان می‌دهد که مفروضه هم خطی بودن در بین متغیرهای پیش بین برقرار است. زیرا که ضریب تحمل و تورم واریانس متغیرهای پیش بین به ترتیب بزرگتر از ۰/۱ و کوچک تر از ۰/۱۰ بود. جدول ۴ برآورد پارامتر استاندارد نشده^۱، پارامتر استاندارد شده^۲، خطای استاندارد و نسبت بحرانی را برای هر یک از نشانگرهای متغیرهای مکنون حل خودپنداره جنسی، سلامت روان و الگوی ارتباطی ناکارآمد را نشان می‌دهد.

جدول ۴ - پارامترهای مدل اندازه‌گیری پژوهش در تحلیل عاملی تأییدی

متغیرهای مکنون- نشان‌گر	B	B	SE	C.R
سلامت روان- افسردگی	۱	۰/۵۸۶		
سلامت روان- کارکرد اجتماعی	۰/۹۳۵	۰/۶۲۲	۰/۱۲۶	۷/۴۳**
سلامت روان- اضطراب و اختلال خواب	۱/۲۰۲	۰/۸۳۹	۰/۱۵۰	۸/۰۳**
سلامت روان- علائم جسمانی	۰/۸۹۱	۰/۵۶۱	۰/۱۲۹	۶/۹۲**
خودپنداره جنسی- طرحواره	۱	۰/۶۸۵		
خودپنداره جنسی- عزت نفس	۰/۳۸۴	۰/۶۱۱	۰/۰۴۶	۸/۳۳**
خودپنداره جنسی- هشیاری	۰/۳۸۵	۰/۶۷۲	۰/۰۴۳	۹/۰۱**
خودپنداره جنسی- خودکارآمدی	۰/۶۲۷	۰/۸۱۲	۰/۰۶۳	۱۰/۰۲**
الگوی ارتباطی ناکارآمد- کناره گیری/ توقع	۱	۰/۵۸۵		
الگوی ارتباطی ناکارآمد- اجتناب متقابل	۰/۸۴۸	۰/۵۶۷	۰/۱۶۴	۵/۱۷**

P** < 0/۰۱

نکته: بارهای عاملی استاندار نشده مربوط به سه نشانگر افسردگی، طرحواره و ارتباط توقع/کناره گیر با عدد ۱ ثبت شده، بنابراین خطای استاندارد و نسبت بحرانی آنها محاسبه نشده است. جدول ۴ نشان می‌دهد که بارهای عاملی استاندارد همه نشانگرهای بالاتر از ۰/۳۲ است. طبق دیدگاه تاباچینک و فیدل (۲۰۱۳)، بارهای عاملی پایین تر از ۰/۳۲ ضعیف محسوب شده و می‌توان گفت چنین نشانگرهایی از توان لازم برای سنجش متغیر مکنون خود برخوردار نیستند. براساس جدول ۴ بالاترین بار عاملی متعلق به نشانگر اضطراب و اختلال خواب ($\beta=0/۸۳۹$) و پایین ترین بار عاملی متعلق به نشانگر علائم جسمانی ($\beta=0/۵۶۱$) است. با استناد به نتایج جدول ۴ می‌توان گفت همه نشانگرهای از قابلیت لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون خود برخوردارند. پس از ارزیابی مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری پژوهش با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفت. بررسی شاخص‌های برازنده‌گی حاصل از آزمون مدل ساختاری پژوهش نشان داد که مدل ساختاری به صورت قابل قبول با داده‌های گردآوری شده برآش دارد. بدین ترتیب چنین نتیجه گیری شد که مدل ساختاری پژوهش که در آن فرض شده متغیرهای مکنون خودپنداره جنسی و سلامت روان هم به واسطه الگوهای ارتباطی با بی ثباتی در ازدواج رابطه دارد، با داده‌های گردآوری شده برآش دارد.

¹ unstandardized parameters² standardized parameters



جدول ۵- مقادیر شاخص‌های برازش مدل ساختاری

χ^2	AGFI	GFI	RMSEA	CFI
۱۲۱/۷۲	۰/۹۱۳	۰/۹۴۲	۰/۰۶۹	۰/۹۳۲
$P < 0.01$				

جدول ۶- ضرایب مسیر کل و مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

مسیرها	B	S.E.	b	
ضرایب	-۰/۰۰۱	-۰/۲۹۶	-۰/۰۵۴	خودپنداره جنسی \leftarrow بی ثباتی در ازدواج
	۰/۲۰۹	۰/۱۲۳	۰/۳۰۲	سلامت روان \leftarrow بی ثباتی در ازدواج
مسیر کل	۰/۶۹۲	۰/۰۷۶	۰/۱۸۴	خودپنداره جنسی \leftarrow بی ثباتی در ازدواج
	۰/۳۶۷	-۰/۰۹۸	۰/۵۱۵	سلامت روان \leftarrow بی ثباتی در ازدواج
ضرایب	۰/۰۰۱	-۰/۶۱۹	۰/۰۴۲	خودپنداره جنسی \leftarrow الگوی ارتباطی ناکارآمد
	۰/۰۰۹	۰/۳۱۷	۰/۲۴۵	سلامت روان \leftarrow الگوی ارتباطی ناکارآمد
مسیر مستقیم	۰/۰۰۲	۰/۳۰۰	۰/۰۳۸	خودپنداره جنسی \leftarrow الگوی ارتباطی سازنده
	۰/۰۰۱	-۰/۲۷۴	۰/۱۹۶	سلامت روان \leftarrow الگوی ارتباطی سازنده
ضرایب غیر مستقیم	۰/۰۰۶	۰/۴۸۱	۰/۳۰۲	الگوی ارتباطی ناکارآمد \leftarrow بی ثباتی در ازدواج
	۰/۰۰۱	-۰/۲۴۸	۰/۰۸۸	الگوی ارتباطی سازنده \leftarrow بی ثباتی در ازدواج
مستقیم	۰/۰۰۴	-۰/۳۷۲	۰/۱۸۵	خودپنداره جنسی \leftarrow بی ثباتی در ازدواج
	۰/۰۰۵	۰/۲۲۱	۰/۴۹۴	سلامت روان \leftarrow بی ثباتی در ازدواج

طبق جدول ۶، ضریب مسیر کل (مجموع ضرایب مسیر مستقیم و غیر مستقیم) بین سلامت روان و بی ثباتی در ازدواج در سطح ۰/۰۵ غیر معنادار است ($P > 0/05$ ، $\beta = 0/123$). ضریب مسیر کل (مجموع ضرایب مسیر مستقیم و غیر مستقیم) بین خودپنداره جنسی و بی ثباتی در ازدواج منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار است ($P < 0/01$ ، $\beta = 0/296$). ضریب مسیر الگوی ارتباطی ناکارآمد و بی ثباتی در ازدواج مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار است ($P < 0/01$ ، $\beta = 0/481$). همچنانی ضریب مسیر الگوی ارتباطی سازنده و بی ثباتی در ازدواج منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود ($P < 0/01$ ، $\beta = -0/248$). ضریب مسیر غیر مستقیم بین سلامت روان و بی ثباتی ازدواج مثبت و در سطح ۰/۰۵ معنادار است ($P < 0/05$ ، $\beta = 0/221$).

در مدل ساختاری پژوهش حاضر دو میانجی الگوی ارتباطی سازنده و الگوی ارتباطی متوقع/کناره گیر و اجتنابی (ناکارآمد) وجود دارد. پژوهشگر به منظور ارزیابی نقش منحصر به فرد هر یک از الگوهای ارتباطی فرمول بارون و کنی^۱، ۱۹۸۶ و همکاران^۲، ۲۰۰۶ استفاده نمود. جدول ۷ معناداری یا عدم معناداری نقش هر یک از دو میانجی الگوی ارتباطی سازنده و الگوی ارتباطی ناکارآمد را در رابطه بین سلامت روان و بی ثباتی ازدواج نشان می‌دهد.

¹-Baron and Kenny²-Mallinckrodt et al



جدول ۷ آزمون معناداری نقش دو میانجی گر الگوی ارتباطی سازنده و الگوی ارتباطی ناکارآمد در رابطه بین سلامت روان و بی ثباتی ازدواج

Z	β_{ab}	SE _{ab}	a*b	مسیرها
٢/١٣٠*	٠/٠٦٨	٠/٠٩٢	٠/١٩٦	سلامت روان ← الگوی ارتباطی سازنده ← بی ثباتی ازدواج
١/٣٤٥	٠/١٥٣	٠/٣٢٧	٠/٤٤٠	سلامت روان ← الگوی ارتباطی ناکارآمد ← بی ثباتی ازدواج

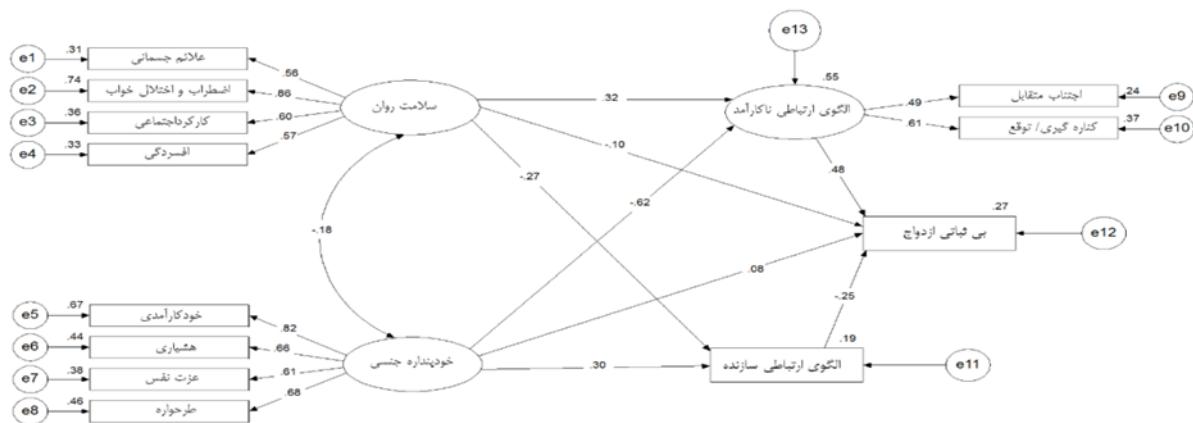
نکته: b^* و SE_{ab} به ترتیب ضریب مسیر و خطای استاندارد غیر مستقیم β_{ab} ضریب مسیر غیر مستقیم بین متغیرهاست. الگوی ارتباطی سازنده بر خلاف الگوی ارتباط ناکارآمد به صورت معنادار رابطه بین سلامت روان و بی ثباتی ازدواج را میانجیگری می کند ($P < 0.05$, $\beta_{ab} = 0.068$).

در جدول ۶ ضریب مسیر غیر مستقیم بین خودپنداره جنسی و بی ثباتی ازدواج مثبت و در سطح 0.01 معنادار است ($\beta = 0.372$). جدول ۸ معناداری یا عدم معناداری نقش هر یک از دو میانجی الگوی ارتباطی سازنده و الگوی ارتباطی ناکارآمد را در رابطه بین خودپنداره جنسی، و بی ثباتی ازدواج نشان می‌دهد.

جدول ۸ آزمون معناداری نقش دو میانجی گر الگوی ارتباطی سازنده و الگوی ارتباطی ناکارآمد در رابطه بین خودپنداره جنسی و بی ثباتی ازدواج

Z	β_{ab}	SE _{ab}	a*b	مسیرها
-2/11*	-0/074	0/019	-0/042	خودپنداه جنسی ← الگوی ارتباطی سازنده ← بی ثباتی ازدواج
-3/27*	-0/298	0/051	-0/167	خودپنداه جنسی ← الگوی ارتباطی ناکارآمد ← بی ثباتی ازدواج

نکته: a^* و b به ترتیب ضریب مسیر و خطای استاندارد غیر مستقیم $ab\beta$ ضریب مسیر غیر مستقیم بین متغیرهاست. الگوی ارتباطی سازنده ($P_{0.05} = ab\beta$) و الگوی ارتباط ناکارآمد ($P_{0.05} < ab\beta$) به صورت معنادار رابطه بین خودپنداره جنسی و بی ثباتی ازدواج را میانجیگری می کند. شکل ۱، مدل ساختاری پژوهش در تبیین روابط بین سلامت روان، خودپنداره جنسی و بی ثباتی ازدواج با نقش میانجی گری الگوهای ارتباطی را نشان می دهد.



شکل ۱: روابط بین خودپنداره جنسی، سلامت روان و بی ثباتی در ازدواج با نقش واسطه‌گری الگوهای ارتباطی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه سلامت روان، خودپنداره جنسی و نقش الگوهای ارتیباطی با بی ثباتی در ازدواج بود. طبق یافته های پژوهش، نتایج حاصل از همبستگی پیرسون نشان داد بین مؤلفه های سلامت روان، مؤلفه اضطراب و بی خوابی

تصورت مثبت با بی ثباتی در ازدواج همبسته بود. برای سنجش سلامت روان نمرات بالاتر نشانگر وضعیت نامناسب سلامت روان فرد است. از بین مؤلفه‌های خودپنداره جنسی خودکارآمدی و طرحواره و هشیاری به صورت منفی و معنادار با بی ثباتی در ازدواج همبسته بودند. از بین الگوی‌های ارتباطی، ارتباط سازنده متقابل به صورت منفی و ارتباط توقع/کناره گیر و ارتباط اجتناب متقابل (ناکارآمد) به صورت مثبت با بی ثباتی در ازدواج همبسته بودند. این روابط بین متغیرها را می‌توان این گونه تبیین کرد که متغیرهای سلامت روان، خودپنداره جنسی و الگوهای ارتباطی در بی ثباتی ازدواج نقش دارند. به عبارتی سلامت روان به طور غیر مستقیم از طریق الگوی ارتباطی سازنده پیش بینی کننده‌ی بی ثباتی ازدواج است با توجه به تحقیقات زمانی و همکاران، با تغییرات فرهنگی و اجتماعی که رخداده مؤلفه‌های سلامت روان در همه افراد وجود دارد. اضطراب و افسردگی با توجه به سبک زندگی پست مدرن در همه جوامع دیده می‌شود و کارکردهای اجتماعی و سلامت جسمی افراد را به خطر می‌اندازد. و خودپنداره جنسی هم به صورت مستقیم و هم بصورت غیرمستقیم می‌تواند از طریق الگوی ارتباطی ناکارآمد و سازنده پیش بینی کننده‌ی بی ثباتی ازدواج باشد. اغلب شواهد با یافته‌های پژوهش حاضر همسو هستند. به عنوان مثال روسوسکی، گالیه، ولش^۱ و همکاران ۲۰۰۸؛ مک کابی، تانر و هیمن^۲؛ هنسل و هیدر بلانت ۲۰۱۰؛ از جمله این پژوهش‌ها هستند.

در تبیین یافته‌ها، می‌توان گفت بر طبق این پژوهش سلامت روان به طور مستقیم پیش بینی کننده‌ی بی ثباتی نمی‌تواند باشد و از بین مؤلفه‌های سلامت روان اضطراب و بی خوابی تاثیر بیشتری بر بی ثباتی ازدواج دارد و به طور کلی با افزایش اضطراب در زوجین، میل به طلاق در زوجین افزایش می‌یابد. با توجه به پژوهشی که با هدف ارزیابی ارتباط بین سلامت روان و رضایت زناشویی در دانشجویان مرد متأهل صورت گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین رضایت زناشویی دانشجویان و علائم جسمی، اضطراب، عملکرد اجتماعی، افسردگی است (ربایحی، خاجدین و ایزدی، ۲۰۱۷). طبق پژوهش انجام شده توسط ولینت^۳ (۲۰۱۲)، سلامت روان، با بهبود ارتباطات بین فردی و عملکرد بهتر فرد در جنبه‌های مختلف زندگی همراه است. و می‌توان تحت تاثیر منفی یا مثبت کیفیت زندگی زناشویی قرار گیرد. در تبیین دیگری می‌توان نتیجه گرفت هر چه مؤلفه‌های خودکارآمدی، هشیاری جنسی، طرحواره جنسی بیشتر باشد بی ثباتی در ازدواج کمتر می‌شود. هر چقدر خودکارآمدی جنسی بیشتر و قوی تر باشد، زوجین رفتار خاصی را در یک شرایط خاص شکل می‌دهند. طرحواره و هشیاری ضعیف باعث بی ثباتی در ازدواج و میل به طلاق در افراد می‌شود. و می‌توان اینگونه استنباط کرد، افرادی که احساس تنفس، نگرانی و عدم دانش و آگاهی از جنبه‌های جنسی زندگی شان را دارند، احساس همیشگی بیقراری در مورد مسائل جنسی دارند. طرحواره جنسی که خود چارچوب شناختی هر فرد که فرایندهای شناختی وی در مورد جنبه‌های جنسی زندگیش را هدایت کرده وارگانیزه می‌کند نیز رابطه‌ی مثبتی بر صمیمیت در زنان این پژوهش داشته است، شناخت جنبه‌های جنسی خود، شناخت افکار، نگرش‌ها، اعمال و احساسات جنسی به رضایت جنسی بالاتر منجر می‌شود. هر چه این خودپنداره جنسی در فرد افزایش یابد میزان صمیمیت زناشویی نیز افزایش می‌یابد. اما طبق یافته‌های پیشین توسط هیدر بلانت^۴ (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که خودپنداره جنسی به طور مستقیم با الگوهای ارتباطی و رضایت زوجین تأثیر داشته است. ارتباط با همسر با اختلافات پایین تر بین تقاضا و فعالیت جنسی تجربه شده مرتبط بوده است. طبق پژوهش‌های قبلی بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که زوج‌ها به طور پنهانی تعارضاتی پیرامون مسائل جنسی دارند، اما آن را به عنوان یک راز تلقی کرده و از بیان آن و صحبت کردن درباره آن اجتناب می‌کنند و همین امر باعث می‌شود این مشکلات و تعارضات حل نشده در میان زوجین باقی بماند و صمیمیت و شور و نشاط زندگی زناشویی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (کرو، ۲۰۰۷).

¹ Rostosky, Galliher & Welsh² McCabe, Tanner & Heiman³ Vaillant⁴ Heather Blunt⁵ Crowe



تبیین پژوهش الگوی ارتباطی سازنده، پیش‌بینی کننده بی ثباتی ازدواج است و با توجه به نتایج پژوهش افرادی که افسردگی یا اضطراب دارند بر روی الگوهای ارتباطی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد و می‌تواند الگوهای ناکارآمد بیشتری را ایجاد کرده و الگوی ارتباطی سازنده کمتر در بین زوجین دیده شود. کارکردهای اجتماعی ضعیف زوجین هم الگوهای ارتباطی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. و در نهایت به خاطر عدم الگوهای سازنده در زوجین و وجود الگوهای ناکارآمد قوی‌تر، بی ثباتی ازدواج اتفاق می‌افتد. از جمله پژوهش‌هایی که با این پژوهش می‌تواند همسو باشد، پژوهش‌های انجام شده توسط لاوینر و دیگران^(۲۰) بوده، زوجین آشفته، رفتارهای ارتباطی منفی و ناکارآمد بیشتر و رفتارهای مثبت و کارآمد کمتری را نشان داده‌اند. تعارض زناشویی و بی ثباتی ازدواج پیامدی از الگوهای ارتباطی ضعیف است، زیرا روابط ضعیف ریشه آشتفتگی‌های زناشویی به ویژه شامل مؤلفه‌های سلامت روان می‌باشد. این پژوهش با نتایج پژوهش ساکمار^۱ ۲۰۱۰، همسو بوده است و نشان می‌دهد که الگوی ارتباطی سازنده، رضایتمندی و خشنودی زناشویی رابطه را افزایش می‌دهد. زوجینی که الگوی ارتباطی رایج آنها سازنده است، هر کدام سعی می‌کنند در مورد مشکل ارتباطی خود بحث و گفتگو کنند، احساساتشان را نسبت به هم ابراز نمایند، برای مشکل ارتباطی پیشنهاد راه حل و مذاکره بدھند، هر دو احساس می‌کنند که همدیگر را درک می‌کنند و این روند ارتباطی باعث افزایش رضایتمندی و خشنودی آنها از ارتباط می‌شود. پژوهش‌های دیگری نشان داده است که ارتباط زناشویی کارآمد پیش‌بینی کننده قوی کیفیت زناشویی است و در مقابل ارتباط زناشویی ناکارآمد سرچشمه عمدۀ نارضایتی است. هر چند در مورد رابطه الگوهای ارتباطی، خودپنداره جنسی با بی ثباتی ازدواج پژوهش‌هایی انجام نشده است. از محدودیت این پژوهش می‌توان به روش نمونه گیری که به صورت دردسترس انتخاب شد اشاره کرد. در پژوهش‌هایی آتی پیشنهاد می‌شود که از روش‌های میدانی، آزمایشی و مداخله‌ای برای سنجش متغیرها استفاده شود و همچنین از سایر متغیرهای خودپنداره جنسی برای ارزیابی زوجین بکار برد شود.

منابع

- اسدی، مسعود؛ نظری، علی محمد؛ شکوبی، زینب و سعادت، روح الله (۱۳۹۳). رابطه ابعاد سلامت روان و رضایت شغلی در بین معلمان زن و مرد، زن و مطالعات خانواده، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۲۷.
- ایزدی، زهرا (۱۳۹۱). مقایسه ویژگیهای شخصیتی، سلامت روانی با رضایت زناشویی زوجین مراجعه کننده به مرکز مشاوره نیروی انتظامی فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- بشارت، محمد علی؛ فرهمند، هادی و ابراهیمی، فاطمه (۱۳۹۹). رابطه بین ابعاد کمال گرایی و نشانه‌های افسردگی و اضطراب: نقش واسطه‌ای دشواری تنظیم هیجان، مجله رویش روانشناسی، دوره ۹، شماره ۷، ص ۲.
- رمضانی. م. آ، قائم مقامی. آ، طلاکار. م، سعادت. س، زمانی. ا، شمس. ج و معادی. س (۱۳۹۱). ارزیابی و روایی پرسشنامه چند و جهی خودپنداره جنسی در جمیعت ایران، مجله طب نظامی، دوره ۴، شماره ۴، ص ۳۰۲ - ۳۰۹.
- Zahed Pakdel, Hedi (1394). هوش معنوی، تعهد زناشویی و بی ثباتی ازدواج در زوج‌ها. روانشناسی معاصر، شماره ۱۰، ص ۷۳۰-۷۳۳.
- عبادت پور، ب (۱۳۷۹). اعتباریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران، ص ۲۷.
- مرتضوی، مهناز (۱۳۸۸). رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین، فصلنامه روانشناسی کاربردی، دوره ۳، شماره ۴، زمستان ۸۸، ص ۸۵-۸۳.
- هوشمند، زهرا (۱۳۹۴). رابطه ویژگیهای شخصیتی و خودپنداره جنسی با صمیمیت زناشویی در افراد متاهل، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره و خانواده. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

^۱ Sakmar



یاری پور، ع (۱۳۷۹). بررسی تأثیر طرح مداخلات مشاوره خانواده بر میزان ثبت طلاق در محاکم دادگستری شهر قم. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.

- Beth, A. V., Julian, B., Anthony, F. B & Michael, C.A. (2010). Psychology, sexual behavior and self-esteem, it's different for girls. *Journal personality and individual differences*, (48), 833-838.
- Christensen, A. (2017). Integrative behavioral couple therapy current opinion in psychology, (13), 23-27.
- Crowe, M. (2007). «Managing couple relationship and individual psychological problems in psychosexual therapy». *The Journal of Sexual Disorder and Psychosexual Therapy*, 6 (3), 95-98.
- Deylamy, N., Aishah Hassan, S. (2017). Multiple Mediated effect of Adult Attachment style on Association between Acquired skills from Gottman's intervention on Marital communication patterns. *International Journal of Academic Research in Business and social sciences*.30-45.
- Dragatis, L. R., Rickels, K., & Roch, AF. (1984). The scl-90 and The MMPI (71): As In The validation of a new self-report scale. *Br.J psychology*; 129: 280-289.
- Edwards, J. N., Johnson, D. R, and Booth, A. (1987). A prognostic instrument of marital breakup, family relations, 36, 168-170.
- Esere, M; Akanni, O; Iruloh, B. (2017). Bullying, Self-Disclosure and Sexual Incompatibility as Correlates of Marital Instability among Newly Married Adults in Nigeria. *KIU Journal of social science*, 3(1): 67-74.
- Goldberg, D. P., & Hiller, V. F. (1979). A scaled version of the Goldberg & Hillier Questionnaire. *Psychological Medicine*, 9, 139-145
- Gottman, G.M. & Levenson, R.W. (2000). The timing of divorce. Predicting When Couple Will divorce over a Year Period. *Journal of Marriage and the family*, 62,737-745.
- Hahlwog, K., & Richter, D. (2010). Prevention of marital instability and distress. Result of an 11-year longitudinal follow-up study. *Journal of behavior research Therapy*, (48), 377-383.
- Heather D., Blunt. (2013). A study of sexual self-concept, partner communication, and sexual satisfaction. the degree of Doctor of Philosophy, Department of Community and Family Health College of Public Health University of South Florida, UMI 3519435.
- Lavner, J, A, Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2016). Does couple's communication predict Marital satisfaction?, or Does Marital satisfaction predict communication? *Journal of marriage and family*, 78(3), 680-694.
- Mallinckrodt,B.,Abraham,W.T.,Wei,M.,Russell,D.W (2006).Advances in Testing the Statistical Significance of Mediation Effects. *Journal of Counseling Psychology*, 53(3), 372–378.
- McCabe, J., Tanner, A. E., & Heiman, J. R. (2010). The impact of gender expectations on meanings of sex and sexuality: Results from a cognitive interview study. *Sex Roles*, 62, 252–263. doi:10.1007/s11199-009-9723-4.
- Pelian, Ch., Norman, B., Fang, X. L., Debbie, O. B., Li., Y. (2013). Similarity of relationship standards,couples communication pattern , and marital satisfaction among Chinese couple. *Journal of family psychology*, 27(3), 806-816.



- Riahi, F., Khajeddin, N., Izadi-Mazidi, L. (2017). Evaluation of Relationship Between Mental Health and Marital Satisfaction in Male Married Students. Jentashapir J Health Res. 2017 February; 8(1).
- Rostosky, s. s., Galliher, R. V., Welsh, D. P., & kawaguchi, M. C. (2008). Sexual behaviors and relationship qualities in late adolescent couples. Journal of Adolescence 23, 583-597.
- Sakmar, E. (2010). The Predictive Role Of Communication On Relationship Satisfactionin Married Individuals With And Without Children And In Cohabiting Individuals: The Moderating Role Of Sexual Satisfaction. Thesis for MS. 102-120.
- Settir, V. (2012). People making in family psychology 6th ed. Translated by Birashk, B.Tehran: Roshd publication.(Persian).
- Shahvary. Z., Gholizade. L, & Hoseiny.M. (2010). Determination of some related factor on women sexual satisfaction, Gachsaran south- west of Iran article in persian. Journal of constructivist psychology, 23, 295-320.
- Shiffert, A., & Schwardz, B. (2011). Spouses' demand and withdrawal during marital conflict in relation to well being. Journal of social and personal relationships, 26(2): 262-277.
- Vaillant, GE. (2012). Positive mental health: is there a cross-cultural definition? World Psychiatry, 11(2), 93-9.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2013). Using multivariate statistics (5 th ed.).Boston: Allyn and Bacon.
- Vaillant, GE. (2012). Positive mental health: is there a cross-cultural definition? World Psychiatry, 11(2), 93-9.
- Wolfinger ,N.,H. (2015). Understanding the Divorce Cycle: the Children of Divorce in their own Marriages. Oxford: university Press.
- Zamani, N., M. Habibi, and M. Darvishi. (2015). 'Compare the Effectiveness of Dialectical Behavior Therapy and Cognitive Behavioral Group Therapy in Reducing Depression in Mothers of Children with Disabilities', Arak Medical University Journal (AMUJ), 18.

فصلنامه ایده های نوین

روانشناسی



دوره ۹، شماره ۱۳، تابستان سال ۱۴۰۰